

شاخص اصلی است و این شاخص‌ها همواره لحاظ و مورد بررسی قرار می‌گیرد و وقتی این شاخص‌ها مطرح است، به این معنی است که دیگر مسائل نمی‌تواند زمینه ابقای یک مدیر را فراهم کند. در چنین شرایطی، اگر فردی مسئولیت‌پذیر نیست، طبعاً وسط میدان کار هم حاضر نمی‌شود. یا اگر کسی حوصله کار ندارد یا مدیر خسته‌ای است، طبیعتاً نمی‌تواند با این دولت همکاری کند. زیرا مدیران در این دولت باید وسط میدان باشند. این نگاهی است که آیت‌الله رئیسی در مقام رئیس دولت مطرح کردند. از این رو، جابه‌جایی مدیرانی که کارایی لازم را ندارند یا مسئولیت‌پذیر نیستند، دقیقاً امتداد همان نگاه مقابله با ترک فعل مدیران است که در قوه قضائیه تبلور پیدا کرده بود. این یک واقعیت است که مردم و حقوق عامه ما از کارهای معطل و بر زمین مانده رنج می‌برند. چقدر طرح‌های بر زمین مانده و معطلی داریم که ناشی از همین شرایط است. مثلاً می‌بینید که فلان طرح بیمارستانی یا طرحی در حوزه دیگر بعد از ۲۰ سال افتتاح شد. سؤال این است که چرا اجرای این طرح‌ها این همه سال به دراز کشید؟ ضمن اینکه این طرح‌ها پیش روی چشم مردم است. اینها به خاطر ترک فعل مدیران بر زمین مانده‌اند. در مواجهه با ترک فعل مدیران، یا باید انتخاب کنیم این مدیر جابه‌جا شود، یا باید انتخاب کنیم این طرح ۱۵ سال دیگر هم معطل بماند. قطعاً در این دولت اولی را انتخاب می‌کنیم.

زیرا رویکرد دولت آیت‌الله رئیسی، گره‌گشایی و پیشبرد فرایند توسعه کشور و رفع موانع است. در این صورت، مدیری که کارایی لازم را ندارد، به وقتش جابه‌جا می‌شود. البته این فرایند جابه‌جایی محترمانه و ضمن تشکر انجام می‌شود. یعنی لزوماً به این معنی نیست که آن فرد فساد داشته، اساساً فساد به معنی نفع شخصی خاصی هم نداشته است، بلکه نوع مدیریت او در فرایند خدمت‌رسانی به مردم و حقوق عامه، اختلال ایجاد کرده است. به همین منظور است که شما می‌بینید در دولت سیزدهم، در سطوح مختلف جابه‌جایی‌های مدیریتی صورت گرفته است. یکی از مصادیق این جابه‌جایی، مدیری بود که بسیار سالم و پاک‌دست بود و گفتمان دولت را هم قبول داشت، اما آن زمانی که باید پیش‌بینی لازم را برای حوزه مسئولیت خودش انجام می‌داد، انجام نداد و چون پیش‌بینی لازم را انجام نداد، جامعه و مردم در آن حوزه خاص دچار نقصان در دریافت خدمت شدند. این یکی از مصادیق روشن ترک فعل و کوتاهی مدیر بود که ضرر آن متوجه حقوق عامه شد. آن مدیر هم به لحاظ فردی و گفتگویی، بسیار محترم بود، اما در عین حال با او خداحافظی شد، البته با حفظ احترام. آقای رئیس‌جمهور در دولت بارها تأکید کرده‌اند که اگر کسی مسئولیتی را بر عهده گرفته، باید آینده‌نگری و پیش‌بینی‌های لازم را در حوزه مسئولیت خود داشته باشد.

در مواردی اختلاف نظرهایی میان دولت و دیگر قوا اتفاق می‌افتد که بحث بر سر تقدم لایحه یا طرح از همان نوع است. دیدگاه حقوقی شما و دیدگاه دولت در این زمینه چیست؟

الحمدلله در این دولت اختلافی میان قوا وجود ندارد و قوا سعی می‌کنند در هم افزایی و همکاری با هم مسائل را پیش ببرند. اما در جواب به سؤال شما، من به عنوان کسی که حقوق می‌خواند، نه امروز، بلکه روزی که به عنوان کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس فعالیت می‌کردم، همین نظری را داشتم که امروز داشتم. در همان زمان، این مسأله یعنی تقدم طرح یا لایحه به من به عنوان کارشناس مرکز ارجاع شد، که ابتکار قانون، اولویت با کدام یک است، طرح یا لایحه؟ در همان زمان گزارشی نوشتم که باید امروز هم موجود باشد مبنی بر اینکه بهتر است ابتکار قانون با لایحه باشد. امروز هم همین نظر را دارم. بنابراین، این نظر من مربوط به امروز نیست که سخنگوی دولت هستم، بلکه زمان فعالیت در مرکز پژوهش‌های مجلس هم همین نظر را داشتم. رهبر انقلاب هم به همین نکته اشاره کردند. تجربه بشری در جهان هم نشان داده است که دولت به دو دلیل عمده، یکی اینکه از بدنه کارشناسی بسیار گسترده‌ای برخوردار

است و تجربه انباشته شده‌ای که در این بدنه دارد، از امکان کار کارشناسی گسترده‌تری برخوردار است تا در حوزه‌ای پیشنهاداتی را برای قانونگذاری ارائه کند. ضمن اینکه مجلس هم می‌تواند از بدنه کارشناسی و نخبگانی خود برای تکمیل و اصلاح یا ابقان آن متن استفاده کند، به عبارت دیگر، وقتی ابتکار قانونگذاری از دولت شروع شود، مجلس چیزی را از دست نمی‌دهد، زیرا اختیار اصلاح لایحه در اختیار مجلس است. نکته دوم که رهبر انقلاب اشاره کردند، بر این مبنا بود که دولت و دستگاه اجرایی کف میدان است. گاهی در بحث‌های نخبگانی و نظری برای قانونی بحث می‌شود که بحث‌های خوبی هم هست، اما در اجرا می‌بینیم که با موانعی مواجه می‌شود. یعنی در بحث‌های نظری این نکات خوب جلوه می‌کند، اما در فرایند اجرا دچار مشکل می‌شود. به این ترتیب از آنجا که دولت‌ها کف میدان هستند و در حوزه عمل با مسائل روبه‌رو هستند، بهتر می‌تواند پیشنهاد بدهند. طبیعتاً مجلس هم شأن تصویری نهایی خود را دارد و اگر نقطه ضعفی هست می‌تواند برطرف کند. بنابراین از نظر حقوقی به عنوان کارشناس حقوق، معتقدم لایحه بهتری می‌تواند نیازها را شناسایی کند و متون مناسبی را آماده کند. در کنار این، در این دولت، کلان همکاری بین مجلس و دولت بسیار خوب بوده است. هر چند موارد و مصادیقی هم بوده که در آنها تقاضای ما این بوده که در چهارچوب‌های صلاحیت‌های قانونی، اولویت بخشی و سرعت بخشی بیشتری به موضوعات داده شود. به عنوان مثال، درباره تصمیم‌گیری برای نظارت بر بازار به معنای عام کلمه، یا تشکیل وزارت یا سازمان بازرگانی، دولت علاقه‌مند بود این موضوع زودتر جمع بندی شود. کما اینکه در حوزه نظارت بر بازار مسکن و اجاره بها که الحمدلله همین ایام با همکاری خوب مجلس و دولت، این معضل قانونی از پیش پای دولت برداشته شد و دیدیم که خبر این اتفاق در بازار مسکن هم ثمربخش بوده است و انشاءالله وقتی قانون به مرحله اجرا برسد اثر بخشی بیشتری هم خواهد داشت. بنابراین هر چه این تعامل ها

تسریع شود، به نفع مردم و کشور خواهد بود. یا در مثالی دیگر، اخیراً واردات خودروهای کارکرده در دستور کار بود. پیش از این درباره واردات خودرو مباحث متعددی بود، البته مجلس از این نظر با دولت همفکر بود و در این میان نظر مجمع تشخیص نظام مطرح بود. منظور من از طرح این مباحث آن است که در مواردی که دولت و مجلس همدل هستند، کارها با قوت بیشتری پیش می‌رود و چه خوب است این رویکرد در سایر موارد و مصادیق هم دنبال شود. به عنوان مثال، در مسأله مدیریت اموال تملیکی، بیش از یک سال است که دولت لایحه را تقدیم مجلس کرده است. بالاخره در بحث اموال مکشوفه و تملیکی، آیا ما از فرایندهای موجود راضی نیستیم؟ اگر راضی هستیم، پس این گلایه‌ها چیست؟ اگر راضی نیستیم، چرا یک سال و نیم است که این لایحه اعلام وصول نمی‌شود؟ دولت ضمن تشکر فراوان از همدلی و همکاری مجلس در عموم موضوعات، اگر این همکاری به برخی دیگر از مسائل هم تسری پیدا کند، حتماً اولویت بخشی به موضوعات اساسی زمینه مساعدتری برای حل مسائل مردم را فراهم می‌کند.

در دولت قبل این معضل دیده می‌شد که اختلاف میان وزرا و اعضای دولت حتی در تلویزیون و رسانه‌های عمومی هم دیده می‌شد، اما در دوسالگی دولت سیزدهم، شاهد یک فرهنگ دولتمداری هستیم که طی آن، شخصیت دولت به جایگاه خودش بازگشته است. به این معنی که



از نظر حقوقی به عنوان کارشناس حقوق، معتقدم لایحه بهتر می‌تواند نیازها را شناسایی کند و متون مناسبی را آماده کند. در کنار این، در این دولت، کلان همکاری بین مجلس و دولت بسیار خوب بوده است. هر چند موارد و مصادیقی هم بوده که در آنها تقاضای ما این بوده که در چهارچوب صلاحیت‌های قانونی، اولویت بخشی و سرعت بخشی بیشتری به موضوعات داده شود